

هفت گونه سینما

جلد دوم

www.ketab.ir





مرشدنامه	: کاوه، علیرضا، ۱۳۴۶ -
نویان و نام پیدآور	: هفت گونه سینما/ علیرضا کاوه : ویراستار سیایش افشار.
شخصیات نشر	: تهران: روزنه کار، ۱۴ -
شخصیات ظاهری	: ج.: مصور: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
حاجک	: ۲.ع: 978-600-7876-65-7
ضخیت فهرست نویسی	: ضیا
ادداشت	: فهرست نویسی بر اساس جلد دوم، ۱۴۰۰.
ادداشت	: ص.ع. به انگلیسی: ... Alireza Kaveh, Seven film genres Epic
ادداشت	: نمایه.
مذرجات	: ۲.ع. بررسی گره های سینمایی عظیم، افسانه علمی: کودکان، ماجراجویی، ورزشی، اسرارآمیز، سرگذشتنامه ای
وضوع	: سینما -- انواع Film genres
ده بندی کنگره	: PN1۹۹۵
ده بندی دیوپی	: ۷۹۱/۴۲
مماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۲۱۰۲۵
ملاعات رکورد کتابشناسی	: ...



هفت گونه سینما - جلد دوم

نویسنده: علیرضا کاوه

ناشر: روزنه کار

ویراستار: سیایش افشار

روی جلد: شاه رخ کاوه

امور رایانه: فرهاد حدادی

چاپ: روزنه کار

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

نوبت چاپ: نخست ۱۴۰۰

قیمت: ۷۰ هزار تومان

کلیه حقوق این اثر متعلق به ناشر است.

تهران- خیابان استاد مطهری- فجر- خیابان شهید نظری- شماره ۵۲

تلفن: ۸۸۲۸۲۰۹ Email: rowzane.pub@gmail.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۷۶-۶۵-۷ شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۷۶-۶۶-۴

فهرست

۹	پیش‌گفتار
۲۵	عظیم
۹۱	افسانه علمی
۱۵۱	ماجرایی
۱۷۹	اسرارآمیز
۲۰۷	کودکانه
۲۴۵	سرگذشت‌نامه‌ای
۲۷۹	ورزشی
۳۰۳	منابع
۳۱۱	نمليه

پیش‌گفتار

هم‌چون جلد نخست با یک بازی شروع کنیم. آیا می‌توانیم به هر گونه‌ی (ژانر) سینمایی یک حیوان را نسبت دهیم؟ من پیش از شما این کار را می‌کنم و شما داوری کنید. عقاب را به عظیم، سیمرغ را به افسانه علمی، دارکوب را به ماجراجویی، قو را به سرگذشت‌نامه‌ای، کرم ابریشم را به کودکانه، ققنوس را به اسرارآمیز و دلفین را به ورزشی بدهیم.

بسته به این‌که تا چه حد این را بپذیرید به "لحن" نزدیک شده‌اید. لحن یک فیلم و یک گونه می‌تواند در یک ترکیب جسمی-مانند حیوان-ملموس باشد. بی‌درنگ باید افزود که این رویکردی "متقاعدکننده" است. یعنی ما/بینندگان با دیدن یک فیلم و سترن اقتناع شده‌ایم که فیلمی کم‌دی ندیده‌ایم. قدم دوم این است که توانسته‌ایم این قانع شدن را با یک "برچسب" هویت ببخشیم. این توانایی صرف نیست. بینندگان بر این کار اصرار دارند یا به‌شکلی غیرارادی همه این توانایی را در خود می‌بینند که با چنین کاری کلیت اثری که دیده‌اند و ده‌ها و صدها فیلم مشابه آن را به بیانی "فروپیکاهند" قدم سوم. با این حال ممکن است بین این توانایی‌های فردی و گروهی اختلاف نیز باشد.

نظریه‌ی گونه در صددست که این برچسب، اقتناع‌شوندگی و مرحله‌ای چهارم از این فرایند دریافت را بشکافد. در مرحله‌ی چهارم با احساسی از "انتظار برآورده نشده" روبرو هستیم. یعنی با یک متن محسوس اما کامل نشده که به‌فرض با هر وسترنی یا موزیکالی که ساخته

شود خود را کامل می‌کند. بخشی از خود را در اثری برجای‌گذارد و می‌رود. این بخش برجامانده را می‌توان به بسته‌ای تشبیه کرد. مثال حیوان‌های منتسب به گونه‌ها حکایت چنین بسته‌ای است.

فیلم را به شکل بسته‌بندی شده نیند، چرا که پیش‌فرض‌ها، لذت دیدن فیلم را از شما می‌گیرد. این پیشنهاد نویسنده‌ی کتاب است. با این حال در پایان هر فیلم، ذهن تماشاگر به سوی دسته‌بندی می‌رود. بدترین سرنوشت برای بررسی‌های نظری درباره‌ی فیلم‌ها، بسته‌بندی آن‌هاست و گونه‌بندی آثار سینمایی را آشکارا در واکنش به چنین روشی در نظر دارم. این قلم در صدد دست زدن به چنین کاری است. یعنی بررسی نه برای "توصیه" به فیلم‌سازان که چنین فیلم بسازید بل که برای یافتن سازوکار دریافت آن به‌وسیله‌ی بینندگان. هر چند که این بررسی می‌تواند به فیلم‌سازان بیش‌ترین یاری را برساند.

به‌دیگر معنی گونه‌بندی چیزی نیست که نیاز به توضیح داشته باشد. اگر فیلم‌بین یا فیلم‌دوست هستید به احتمال پوشه‌هایی در خانه دارید و یا در مراجعه به ترنت (Torrent) از گونه‌بندی‌هایی چنین استفاده می‌کنید. از آن‌جا که بینندگان لحن فیلم‌ها را در تفکیک گونه‌ها شفاف‌تر و بی‌میانجی دریافت می‌کنند و فراگیری بیش‌تری از موضوع و ستاره می‌توان برای آن قایل شد، این کتاب بررسی بر مبنای لحن را مشی خود قرار داده است. اتخاذ مشی لحن محور تقابلی است با دیگر نظریه‌پردازانی که معیارهای "معنا"، موضوع و تاریخ را مشی بررسی خود قرار داده‌اند. بی‌آن‌که بتوان انکار کرد که معیارهای بالا در پدید آمدن لحن اثر به‌هنگام دریافت تاثیر دارند.

لحن‌ها افزون بر بحث‌های قبلی یک ماهیت تداوم‌یابنده و فرار دارند. تداوم‌یابنده به این معنی که گونه‌ی عظیم و گونه‌ی افسانه علمی وام‌دار وسترن هستند. و فرار، چرا که در یک نگاه کلی نمی‌توان این سه را از ماهیتی یکه دانست. بین ده فرمان (دمیل - ۱۹۵۶)، سلاریس (تارکوفسکی - ۱۹۷۲) و جانی گیتار (ری - ۱۹۵۴) چه مشخصه‌ی مشترکی هست؟ اما نظریه‌پردازان گونه از حضور حس اقتدار وسترن در عظیم و افسانه علمی و شباهت صحنه‌پردازی آن با این دو گونه گفته‌اند. پس لحن یک فیلم فراتر از ظاهر تصویری است که می‌بینیم. یعنی ما در افسانه علمی اسب نمی‌بینیم، صحرایی در کار نیست، رنگ آجری و نور خورشید هم غایب است. خب؟ با این حال بحث از پیوند بین گونه‌ها خیلی انتزاعی نیست. یعنی سیاهی در افسانه علمی به‌جای نور نشسته و بی‌کرانگی فضای بین کرات جای بی‌کرانگی طبیعت وسترن. دریافت به‌ظاهر متناقض را توانستیم شبیه کنیم.